

رویارویی با منابع

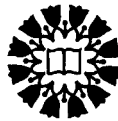
راهنمای پژوهش و نگارش تاریخ

آنتونی براندریج

ترجمه محمد غفوری

تهران

۱۳۹۶



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	یادداشت مترجم
۵	پیشگفتار چاپ پنجم کتاب
۹	فصل اول: تغییر دائمی در شکل و بافت گذشته
۹	برداشت‌های ایستا و پویا از تاریخ
۱۲	تجدیدنظر در دیدگاهمان دربارهٔ گذشته
۱۴	اشکال نوین آگاهی تاریخی
۱۶	به سوی تاریخ «مردم»
۱۸	اقلیت‌ها و زنان پا به تاریخ می‌گذارند
۲۱	مکتب آنال و کلیومتریک
۲۵	روان‌شناسی و تاریخ
۲۶	خُردتاریخ و کلان‌تاریخ
۲۷	پسامدرنیسم
۳۰	مسیرهای گوناگون به سوی گذشته
۳۲	فصل دوم: سرشت و تنوع منابع تاریخی
۳۳	منابع دست‌اول
۳۳	منابع خطی
۳۴	منابع چاپی
۳۸	آثار دست‌دوم
۳۹	کتاب‌ها
۴۲	جستارها

صفحه	عنوان
۴۳	مقاله‌ها
۴۷	رساله‌ها و مقالات همایش‌ها
۵۱	فصل سوم: یافتن منابع: فهرست برخط کتابخانه و فراسوی آن
۵۳	فهرست برخط کتابخانه‌ها
۵۴	سرموضوع‌ها، کلیدواژه‌ها و عنوان‌ها
۶۰	تهیه کتاب‌شناسی پژوهش و بهره‌گیری از آن
۶۳	کتاب‌شناسی‌های منتشرشده
۶۶	نمایه‌ها و چکیده‌های چاپی و الکترونیک
۷۴	یافتن جستارهای پژوهشی
۷۶	دیگر پایگاه‌های داده‌ای مهم
۷۸	پژوهش تاریخی در اینترنت
۸۰	یافتن سازمان‌های مرجع سودمند
۸۴	فصل چهارم: چگونه بیشترین بهره را از کتاب‌های تاریخ ببریم: خوانش ...
۸۴	ضرورت خوانش مؤثر
۸۷	دستیابی به اطلاعاتی درباره مؤلفان
۸۹	مقایسه کتاب‌های تاریخی مشابه
۱۰۰	نقدنامه نوشتن بر یک کتاب تاریخی
۱۰۳	فصل پنجم: فراسوی منابع متنی: بهره‌گیری مورخان از رسانه‌های دیگر
۱۰۳	کلمات، تصاویر و تخیل تاریخی
۱۰۵	تولد یک ملت: سرگرمی، تبلیغات و واکنش انتقادی
۱۱۶	خواندن، دیدن، تأمل کردن: یک مطالعه موردی
۱۲۱	بالا گرفتن روند تلفیق متن و تصویر
۱۲۳	فصل ششم: بررسی تغییر در تفسیرها: جستار تاریخ‌نگارانه
۱۲۳	گزینش و پالایش موضوع
۱۲۵	پژوهش برای یک جستار تاریخ‌نگارانه: یک مطالعه موردی
۱۳۱	نگارش جستار تاریخ‌نگارانه

صفحه	عنوان
۱۴۶	پی‌نوشت‌ها
۱۴۷	کتاب‌شناسی
۱۴۹	رویکردهای بدیل
۱۵۱	فصل هفتم: درگیری با منابع دست‌اول: مقاله پژوهشی
۱۵۲	جست‌وجوی یک موضوع عملی
۱۵۳	یافتن منابع دست‌اول
۱۵۶	چگونه خواندن را شروع کنید
۱۵۸	یادداشت‌برداری
۱۶۴	طرح کلی و ساختار مقاله
۱۶۵	برخی از عناصر نوشتار کارآمد
۱۷۰	ذهن باز و صداقت فکری
۱۷۱	نقل قول کردن
۱۷۴	پانوشته‌ها
۱۷۸	ویرایش و بازبینی
۱۸۱	نگاه آخر
۱۸۳	فصل هشتم: نتیجه‌گیری: پایان - باز بودن تاریخ
۱۸۸	پیوست الف: کتاب‌شناسی‌های چاپ‌شده
۱۹۰	پیوست ب: پایگاه‌های داده مهم برای جست‌وجوی کتاب‌شناختی
۱۹۱	پیوست ج: قالب‌بندی پانوشته/پی‌نوشت
۱۹۱	کتاب‌ها
۱۹۲	مقالات و جستارها (فصل‌ها)
۱۹۴	دیگر انواع منابع
۱۹۴	ارجاع به منبعی که قبلاً به آن ارجاع داده شده است
۱۹۶	پیوست د: قالب‌بندی کتاب‌شناسی
۱۹۶	کتاب‌ها

صفحه	عنوان
۱۹۶	مقالات
۱۹۶	جستارها (فصل‌های کتاب‌ها)
۱۹۶	پایان‌نامه‌ها
۱۹۶	نمونه‌ای از کتاب‌شناسی
۱۹۹	پیوست ه: کوتاه‌نوشت‌های رایج
۲۰۲	پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر
۲۰۴	نمایه

یادداشت مترجم

در اندک دروس روش تحقیق منبع پژوهی رشته تاریخ، که در دانشگاه اغلب با عنوان «شناخت منابع و مآخذ» در سرفصل‌های دوره کارشناسی گنجانده می‌شود، دانشجویان تنها با مهارت‌های ابتدایی برای مواجهه با منابع اصلی و فرعی کار خویش آشنا می‌شوند. این مهارت‌ها عمدتاً حافظه‌محور هستند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت معمولاً از دانشجو خواسته می‌شود تا صرفاً اطلاعاتی را درباره نویسنده، حجم، موضوع و گستره زمانی و جغرافیایی منابع اصلی در ذهن خود تلمبار کند. در واقع، داده‌شناسی منابع، آن هم به شیوه‌ای سنتی، اصلی‌ترین و گاه تنها مهارتی است که برای بهره‌گیری از منابع به دانشجویان آموزش داده می‌شود. از همین روست که عمدتاً نمی‌توان میان تلقی دانشجویان دانشگاه‌رفته از منابع تاریخی و حاصل کار آنها در بهره‌گیری از این منابع با تاریخ‌پژوهان غیردانشگاهی و خودساخته تفاوت معناداری احساس کرد. خوانش انتقادی منابع و بهره‌گیری تاریخ‌نگارانه و عملی از آنها ظاهراً به درس روش تحقیق و دیگر تحقیقات درسی واگذار می‌شود، حال آنکه کارایی دروس روش تحقیق و کیفیت تدریس آنها در دانشگاه‌ها و نیز سطح کیفی مقالات درسی دانشجویان خود محل بحث است و به هیچ روی رضایت‌بخش نیست. افزون بر این، رابطه درس منبع‌شناسی و دروس تاریخ‌نگاری مشخص نیست و تمایز میان آنها نیز بر دانشجو و حتی بسیاری از استادان این دروس ناشناخته است. دانشجو به ندرت درمی‌یابد که چگونه باید منابع را بر بستر فراگیرتر تحولات تاریخ‌نگارانه شناسایی کند و با نگاهی بیرونی فحوای درونی منابع را مورد سنجش قرار دهد و از

آن به شیوه‌ای نقادانه بهره گیرد. تا هنگامی که تلقی دانشجویان از تاریخ‌نگاری چیزی جز حاصل جمع غیرانتقادی مضامین و داده‌های موجود در منابع نباشد دستاورد فعالیت پژوهشی آنها چیزی جز گردآوری داده‌ها و انتقال مستقیم آنها از یک متن متقدم به متنی متأخر نخواهد بود. بی‌تردید این رویکرد ناقص و سستی به منبع‌شناسی یکی از زمینه‌های اصلی توسعه‌نیافتگی رشته تاریخ در ایران است و تا زمانی که این رویکرد اصلاح نشود وضع ناخوشایند موجود همچنان تداوم خواهد یافت.

کتاب حاضر با این قصد ترجمه شده است که تجارب یکی از مورخان و چهره‌های دانشگاهی آمریکایی در بهره‌گیری عملی از منابع در اختیار دانشجویان ایرانی رشته تاریخ قرار گیرد. این تجارب بر بستر تکوین دانش مدرن تاریخ‌نگاری عرضه می‌شوند و دانشجویان را با پیش‌زمینه‌های نظری لازم و راهکارهای عملی مؤثر برای بهره‌گیری از متون کلاسیک و پژوهش‌های جدید تاریخی آشنا می‌کنند. مؤلف در ابتدا تصویری موجز اما راهگشا از تحولات تاریخ‌نگاران و نظری جریان‌ساز در رشته تاریخ ارائه می‌کند و سپس نشان می‌دهد که این تحولات چه تأثیری بر کار مورخان در رویارویی با منابع و شکل‌گیری منبع‌پژوهی مدرن داشته است. از نظر نویسنده، کلید اصلی فهم مؤثر و انتقادی منابع در اعتقاد به گشودگی رشته تاریخ و سرشت خاص آن به عنوان فعالیت پژوهشی با پایان باز نهفته است. نویسنده می‌کوشد تا میان مباحث نظری و راهکارهای عملی پیوند برقرار کند و دانشجویان را تشویق نماید تا با دیدی جامع و نقادانه به مصاف منابع روند، امکانات و محدودیت‌های آنها را با هم بسنجند، به منابع فرعی توجه کنند، دیدگاه‌های خاص نویسنده هر اثر و تأثیر بافت فرهنگی و اجتماعی را در شکل‌گیری این دیدگاه‌ها رصد کنند و هرگز از بازبینی در کار خویش و تن دادن جسورانه به خودانتقادی فروگذار نکنند. علاوه بر این، نویسنده کوشیده است تا نگاهی نسبتاً جامع به منابع غیرمتنی مورد استفاده مورخان نیز داشته باشد. کتاب سرشار است از مثال‌ها و رهنمودهای عملی و از بیان جزئی‌ترین مراحل فنی و عملیاتی شناسایی منابع و

دستیابی به آنها نیز فروگذار نمی‌کند. طبعاً تحقق مؤثر بسیاری از این راهکارهای فنی و عملی تنها بر بستر تحولات نهادی پیشرفته در کشور نویسنده امکان‌پذیر شده است، اما با این همه امکانی را برای مقایسه در اختیار دانشجویان ایرانی قرار می‌دهد تا با کاستی‌های عملی آموزش رشته تاریخ در کشور خویش بهتر آشنا شوند. همین آشنایی می‌تواند زمینه تشکیل فضای انتقادی (جبهه متحدی) توسط دانشجویان و استادان دلسوز را در برابر کارگزاران غیرآکادمیک و کارمندان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی فراهم کند، جبهه‌ای که اگر به گونه‌ای منسجم و هدفمند شکل گیرد می‌تواند بر کارمندسالاری در دانشگاه غلبه کند و زمینه اداری و نهادی برآوردن نیازهای پژوهشی و امکانات آموزشی لازم برای پیشرفت نه فقط تاریخ بلکه سایر رشته‌های علوم انسانی را نیز فراهم آورد. در واقع، مطالعه چنین کتاب‌هایی، علاوه بر همه فواید پژوهشی و آموزشی، به دانشجویان امکان می‌دهد تا لوازم عملی توسعه‌یافتگی رشته خویش را بهتر دریابند و گام‌های نیرومندی برای فراهم آوردن امکانات نهادی و عملی این سطح از توسعه‌یافتگی بردارند.

همه نمونه‌های تاریخی ارائه‌شده در این اثر متعلق به تاریخ آمریکا و اروپا هستند، با این حال دانشجویان هوشمند و پیگیر می‌توانند با الگوگیری از همین نمونه‌ها و روندی پژوهشی که نویسنده با اتکا به این نمونه‌ها طراحی می‌کند، برای خود الگوی مناسبی طراحی کنند و به نسل‌های پس از خویش انتقال دهند. از این قرار، کتاب حاضر هم دست‌نامه‌ای برای مطالعه مستقلانه دانشجویان است و هم راهنمایی کمک آموزشی که استادان می‌توانند در دروس «شناخت منابع و مآخذ» و «روش تحقیق» بدان اتکا کنند. مخاطبان اصلی کتاب حاضر دانشجویان مقطع کارشناسی رشته تاریخ هستند، اما دانشجویان مقاطع بالاتر که، علی‌رغم پیشرفت ظاهری در سطوح تحصیلی، هنوز هم کمبودهایی جدی در این زمینه احساس می‌کنند می‌توانند خود را در شمار مخاطبان آن به شمار آورند.

نویسنده این کتاب، آنتونی براندیج، استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه پلی‌تکنیک در ایالت کالیفرنیا است که هفت کتاب و صدها مقاله را به نگارش

درآورده است. احتمالاً کتاب رویارویی با منابع پرخواننده‌ترین اثر براندیج باشد که از زمان چاپ نخست آن در سال ۱۹۸۲ پنج بار تجدید چاپ شده و در چاپ کنونی نیز بازبینی و کاملاً روزآمد شده است.

مترجم کوشیده است تا روانی و سادگی متن کتاب را، که در زبان اصلی بسیار خوشخوان است، در متن ترجمه نیز حفظ کند. از همین رو، در ترجمه بسیاری از اصطلاحات، از اصطلاح‌شناسی رایج و شناخته‌شده در زبان فارسی بهره برده است و تنها در مورد یک اصطلاح، که از قضا در این کتاب بسیار کلیدی و پربسامد است، معادلی کمتر مألوف را گذاشته است. اصطلاح material در متون مشابه عموماً با معادل‌هایی نظیر ماده، مطلب، و مصالح به فارسی برگردانده می‌شود، اما در ترجمه حاضر در برابر آن معادل «سازمایه»^۱ گذاشته شد تا ضمن حفظ تمایز و برجستگی آن در سراسر متن از اغتشاش و خلط آن با اصطلاحات مشابه پرهیز شود.

ترجمه این کتاب نیازمند حمایت و دلگرمی‌های عزیزانی بود که بی‌یاری و تشویق آنها کار به انجام نمی‌رسید. زهیر صیامیان گرجی پیشنهاد ترجمه این کتاب را داد و مترجم را از حمایت‌های بی‌دریغ خویش بهره‌مند ساخت، از همین رو نیز در اینجا نخست از او سپاس‌گزاری می‌کنم. همچنین بر خود می‌دانم تا از دست‌اندرکاران محترم سازمان «سمت» که گام در راهی صعب نهاده و با جسارتی مثال‌زدنی زمینه ترجمه و انتشار آثار نظری و روش‌شناختی ارزشمند در حوزه دانش تاریخ را فراهم آورده‌اند تشکر نمایم. در ارتقای کیفیت این اثر ویراستاری حرفه‌ای دوست ارجمندم محمدابراهیم باسط مؤثر بود که سپاسگزارش هستم. همین‌طور تلاش خانم‌ها مریم ربانی و مژگان امیری پریان برای آماده‌سازی و تهیه نمایه و همکاری‌های اداری کارشناس گروه تاریخ سازمان «سمت» خانم مریم فلاح شجاعی نیازمند قدردانی است. اما بیش از همه مدیون دلگرمی‌ها و همراهی محبت‌آمیز همسرم الناز اسکندری هستم که سراسر متن کتاب را به دقت خواند و پیشنهادهای ارزشمندی برای بهبود سطح ترجمه و افزایش سلاست آن ارائه کرد.

۱. ر.ک.: آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، تهران: مرکز، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶؛ ذیل material.

پیشگفتار چاپ پنجم کتاب

این کتاب از دل مجموعه درس‌هایی دربارهٔ روش‌های تاریخ^۱ بیرون آمده است که طی سال‌های متمادی برای دانشجویان سطوح عالی گرایش‌های مختلف رشتهٔ تاریخ تدریس کرده‌ام. هر کس یک دورهٔ روش‌شناسی تدریس کرده باشد تصدیق می‌کند که این تجربه یا می‌تواند فوق‌العاده ثمربخش باشد یا عمیقاً نومیدکننده؛ و معمولاً این هر دو احساس به مدرس دست می‌دهد. عموماً دانشجویان با نوعی دودلی و تشویش به سراغ این درس می‌روند. تا پیش از رسیدن به این درس، اغلب مواجهات آکادمیک آنها با رشتهٔ تاریخ عمدتاً در قالب دوره‌های سخنرانی – مباحثه انجام گرفته است، قالبی که بیشتر آنها نسبت به آن تا اندازه‌ای خاطر جمع هستند. در کلاس درس روش‌های تاریخ، دانشجویان ناگهان خود را در برابر حوزه‌ای ناآشنا می‌یابند و با چالش‌هایی نو و گاه بغرنج مواجه می‌شوند. خوشبختانه، این حس تشویش و دودلی اغلب با احساس هیجان ناشی از امید به رسیدن به سطوح جدیدی از درک رشتهٔ تاریخ، و نیز احساس دست یافتن به مجموعه‌ای نو از مهارت‌های تحقیقی و نوشتاری درآمیخته است. من با امید به پروبال دادن به این هیجان، تسکین آن حس اضطراب و گسترش همین مهارت است که عهده‌دار نگارش این کتاب شده‌ام.

من هیجان تاریخ را در تعریف این رشته به مثابهٔ حوزه‌ای گشوده و پویا می‌دانم. تعمیم آگاهی از این امر به دیگران مایهٔ رضایت خاطر چشمگیر من به عنوان آموزگار تاریخ است. از این رو، دورهٔ تدریس خودم و این کتاب را حول درک

1. history methods